

سال دوم

جلسه ۴۰

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

شنبه ۲۶ / ۹ / ۹۰

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم  
در معنا  
با هم مختلف اند

قول دوم

بزرگسی نتند  
حرف و اسم  
هم معنا هستند

قول اول

بزرگسی نتند  
حرف و اسم  
دارای معنا نیستند

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم  
در معنا  
با هم مختلف اند

نظریه اول:  
نظریه مرحوم نائینی

• بررسی  
شد

نظریه دوم:  
نظریه مرحوم اصفهانی

۱. تقریر مرحوم خوئی + مرحوم فاضل

۲. تقریر شهید صدر + آیت الله وحید

۳. تقریر مرحوم روحانی

بررسی ماهیت داشتن «وجود رابط»

بسیاری از بزرگان : وجود رابط، ماهیت ندارد

لذا : احتمالاً مراد قائلین «وضع حروف برای ماهیت وجود رابط» آن است که :  
حروف برای «مفهوم وجود رابط» وضع شده است

اگر مراد آن است که : «وجود رابط ذهنی و خارجی»، دارای ماهیت مشترک هستند  
باید گفت که : وجود رابط دارای ماهیت نیست (نه در ذهن و نه در خارج)

اگر مراد آن است که : وجود رابط باعث پیدایش مفهومی غیر مستقل در ذهن می شود  
باید گفت که : این سخن از اشکال مذکور مبرّی است

به عبارت  
دیگر

«ماهیت نداشتن» به معنای «مفهوم نداشتن» نیست!

بسیاری از مفاهیم ذهنی دارای ماهیت نیستند : مثل مفهوم وجود / مفهوم کلی

سؤال : وجود رابط که یقیناً ماهیت و مفهوم مستقل ندارد آیا دارای مفهوم غیر مستقل می باشد؟

نظر علامه طباطبائی

معنای حرف : مفهومی است که از «وجود فی غیره» انتزاع می شود  
+ حرف حاکی از آن مفهوم غیر مستقل است

نکته : «غیر مستقل بودن مفهوم» یعنی : باید در ضمن مفاهیم اسمی و مستقل، لحاظ شوند

تغییر «ماهیت» به «مفهوم غیر مستقل»!  
نظر مرحوم اصفهانی طبق تقریر شهید صدر و آیت الله وحید را می توان با :  
تغییر «ماهیت» به «مفهوم غیر مستقل» از اشکالات مبرّی نمود

تقریر برتو!

آنچه از مرحوم شهید صدر خواندیم به فرموده مرحوم اصفهانی نزدیک تر است

کلام مرحوم اصفهانی در «بحوث فی الاصول»

«علقه وضعیه» : بین طبیعی لفظ و طبیعی معنی است

پس : وجود عینی و وجود ذهنی معنی در موضوع و موضوع له، دخالت ندارد

پس : نسبت اگرچه متقوم به دو طرفی است که موجود هستند  
ولی : موضوع له حروف، «ذات» آن نسبت است و نه وجود آن.

اشکال مرحوم خوئی (۱)

قبول نداریم : حروف برای «وجود رابط در عالم خارج» وضع شده باشد!

غرض از وضع = «تفہیم و تفہم» است

«تفہم» تنها در صورت وضع الفاظ برای «ماهیات و ذات معنی»، است

چراکه :

در این صورت «ماهیات» می توانند به «وجود ذهنی» و به «وجود خارجی»، موجود شوند

«وجود ذهنی و خارجی» قابل «احضار در ذهن» و «حصول تفہیم و تفہم» نیستند

چرا

ماهیات:

- وجود خارجی به ذهن نمی آید

- وجود ذهنی برای بار دوم در ذهن حاضر نمی شود



ما می گوئیم :

اشکال وارد نیست!

چراکه: مرحوم اصفهانی موضوع له حروف را «مفاهیم موجودات رابط» می داند و نه وجود رابط

الف) غرض از وضع = «تفهیم و تفهّم» موضوع له همان کلمه است.

ب) تفهیم و تفهّم = تنها مبتنی بر آن است که موضوع له کلمه ها، «مفاهیم» باشند.

ج) پس موضوع له = «مفاهیم» هستند.

خلاصه  
کلام  
مرحوم  
خوئی

ما می گوئیم :

الف. تفهیم و تفهّم اگرچه غایت وضع است

ولی : لازم نیست وضع هر کلمه به خاطر تفهیم معنای همان کلمه باشد

چه بسا : غرض از وضع، «تفهیم خصوصیتی در موضوع له کلمه دیگری» است  
یا چه بسا : غرض از وضع یک کلمه، «ایجاد» یک شیء باشد

ب. تفهیم و تفهّم، مبتنی بر این نیست که موضوع له کلمه، «مفهوم» باشد  
چراکه : اگر ما از وضع (ارتباط بین کلمه و وجود خارجی) مطلع باشیم  
از شنیدن کلمه متوجّه می شویم که : مُراد گوینده، «وجود خارجی» است  
و بعد : از آن وجود خارجی در ذهن خود، «مفهوم سازی» می کنیم

اینکه ایشان می گویند «موجود ذهنی، وجود ذهنی دیگر نمی گیرد» حرف درستی است  
ولی : مشکله ای از مرحوم خوئی حل نمی کند.

نقد کلام  
مرحوم  
خوئی